

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زبان رمزی داستان آفرینش بشر

(بررسی تطبیقی روایات، داستان‌ها و اساطیر مربوط به آفرینش بشر)

مؤلفان:

دکتر الخاص ویسی / صادق کریمی

دانشجوی دکترای تاریخ،

استادیار گروه

مدرس دانشگاه پیام نور

زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور



نشر تراوا

سرشناسه	: ویسی، الخاص ۱۳۴۸-
عنوان و پدیدآور	: زبان رمزی داستان آفرینش بشر (بررسی تطبیقی روایات، داستانها و اساطیر مربوط به آفرینش بشر) / مولف الخاص ویسی صادق کریمی
مشخصات نشر	: اهواز: تر آوا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ص:.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۷-۰۹۰-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: آفرینش - - اساطیر
موضوع	: انسان - - آفرینش - - داستان
موضوع	: انسان - - آفرینش - - جنبه‌های مذهبی
موضوع	: آفرینش - - مطالعات تطبیقی
شماره افزوده	: کریمی، صادق، ۱۳۵۱-
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ و ۹۱۷ / BL۳۲۵
رده بندی دیویی	: ۲۰۲ظ۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۲۰۲۹۲



نام کتاب: زبان رمزی داستان آفرینش بشر
 مؤلفان: الخاص ویسی / صادق کریمی
 ویراستار: دکتر مهدی کدخدای طراخی
 (عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور)
 ناشر: تر آوا
 طرح روی جلد: هادی مدرسنیا
 شماره‌ی نشر: ۳۶۱
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۷-۰۹۰-۳
 قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

نشر تر آوا: اهواز - کیانپارس - خیابان نهم غربی - پلاک ۱۲۸

نمابر: ۰۶۱۳۳۹۰۳۷۱۴ همراه: ۰۹۱۶۱۱۳۶۷۸۵

taravapublication@yahoo.com

www.tarava.com فروشگاه اینترنتی

حق چاپ و نشر مخصوص ناشر است.

فصل اول: آفرینش بشر در تمدن‌های آسیایی تبار

۱۵

۱۷

۲۲

۲۹

۳۱

۳۳

۳۶

داستان آفرینش بشر، نزد تمدن‌های «بین‌النهرین»

داستان آفرینش بشر در روایات و اساطیر «ایرانی»

داستان آفرینش بشر در سرزمین «هند»

داستان آفرینش بشر در فرهنگ مردم «ژاپن»

داستان آفرینش بشر میان مردم «پولنزی»

داستان آفرینش بشر در باور مردم «چین»

۳۹

فصل دوم: آفرینش بشر در دیگر قاره‌ها

۴۱

۴۶

۵۱

داستان آفرینش بشر در قاره «آفریقا» و تمدن کهن «مصر»

داستان آفرینش بشر در میان اقوام اروپایی

داستان آفرینش بشر در قاره آمریکا

۵۹

فصل سوم: آفرینش بشر در ادیان بزرگ توحیدی

۶۱

۷۰

۷۵

داستان آفرینش بشر در دین یهود

داستان آفرینش بشر در مسیحیت

داستان آفرینش بشر از دیدگاه اسلام

۸۵

فصل چهارم: مقایسه‌ی تطبیقی آفرینش بشر میان ملل گوناگون جهان

و ادیان توحیدی با تکیه بر روایت‌های زبانی آنها

۱۰۹

نگاهی اجمالی به تفاوت انسان‌شناسی از دیدگاه اسلامی و انسان‌شناسی

تحولی

۱۱۵

منابع و مأخذ

پیشگفتار

اسطوره یکی از مباحث مطرح در حوزه مطالعات تاریخی، ادبی و زبان‌شناختی است. منطق گذار از باورهای شفاهی به متون ادبی مکتوب نیز یکی از مباحث مهم در ادبیات تطبیقی است. بررسی سیر تطوّر مفاهیم و معنای واژه‌ها می‌تواند دورنمای نگاه و رویکرد انسان‌ها در موقعیت‌های متفاوت زمانی و مکانی به پدیده‌های پیرامونی را برملا سازد. مباحث نظری در این راستا در مراحل رشد خود می‌باشد و این کتاب می‌تواند گامی هرچند کوچک در راه گسترش و بالندگی اسطوره‌شناسی تطبیقی باشد. بدون شک ادبیات تطبیقی، اسطوره‌شناسی تطبیقی ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و پیشرفت در این مسیر به همکاری صاحب‌نظران و پژوهشگران، اعم از متخصصان ادبیات تطبیقی زبان‌شناسان و مردم‌شناسان نیازمند است. کتاب حاضر برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های الهیات، ادبیات تطبیقی و جامعه‌شناسی ادیان در نظر گرفته شده است. امروزه در این مورد منابع مکتوب فراوانی در دسترس نیست اما حوزه مطالعات در این زمینه وسیع و گسترده است. لذا کتاب حاضر را باید به عنوان پیش‌درآمدی در نظر گرفت که در آن نگاه مخاطب را به موضوع مورد نظر جلب می‌کند. این نوشته شامل چهار فصل است. در ابتدا به داستان آفرینش بشر از دیدگاه و باورهای تمدن‌های کهن آسیایی تبار مانند آشور و بابل، ایران، ژاپن، چین و هند پرداخته می‌شود. در ادامه، در فصل بعد در همین راستا به ابعاد متفاوت مسائل ذکر شده در آفریقا، مصر و بخش‌هایی از قاره آمریکا و اروپا پرداخته می‌شود. در فصل سوم باورهای دینی مربوط به ادیان ابراهیمی بویژه رویکرد تکاملی اسلام با تکیه بر نقل و قول‌های زبانی بازخوانی می‌شود. در فصل چهارم با مقایسه تطبیقی مطالب گفته شده می‌پردازیم. امید است که پژوهش حاضر الهام‌بخش و زمینه‌ای برای مطالعات بعدی باشد.

انسان همواره مترصد بوده است که رمز و رازها و نایافته‌های خلقت را آشکار کند. برای تحقق این امر، روایات، داستان‌ها و افسانه‌های متفاوت در مناطق جغرافیایی گوناگون چاره ساز بوده است و این امر ما را به سمت یک ایده جهانی و مشترک در این خصوص رهنمون می‌سازد. بدیهی است که هر اسطوره و روایت داستانی، برگرفته از موقعیت‌ها و شرایط زمانی خاص است. به عنوان مثال هنگامی که انسان دانش اولیه خود را درباره‌ی گیاه بدست آورد، اسطوره‌های خاص در این باب بنا نهاد. خلقت انسان را می‌توان به پدیده‌های متفاوتی که در عرصه‌ی طبیعت ظهور کرده اند، منتسب کرد. این پدیده‌ها به واسطه‌ی نشانه‌های زبانی که موسوم به "زبان رمزی" خلقت است، نشانه گذاری گردید است. ایده‌ی توجه به زبان، به عنوان لایه‌ی بیرونی اندیشه، به ما کمک می‌کند تا این مسائل را دقیق‌تر تجزیه و تحلیل کنیم.

زبان، حامل اندیشه‌های درونی بشر است و این اندیشه‌ها، در زبان رمزی (اسطوره، روایات و داستان‌ها و...) نمود یافته است.

در این جستار تجزیه و تحلیل مراحل تکامل اولیه بشر نخستین مورد توجه بوده است. برای تحقق این امر دو رویکرد زبان شناختی و اسطوره شناختی مبنای مباحث اصلی را تشکیل می‌دهد.

قبل از هر چیز، می‌توان گفت که آدمی، در طول تاریخ، همیشه سعی داشته و دارد که آغاز آفرینش و راز و معمای خلقت خود را دریابد و این سؤالی است که تا کنون ذهن بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه را به خود مشغول کرده است. بی‌گمان از همان ابتدای امر، انسان عصر باستانی پیرامون چگونگی خلقت و پیدایش انسان نخستین، حدس‌هایی زده و به یافتن داستان‌ها و افسانه‌هایی در این خصوص پرداخته است به عبارت دیگر انسان اعصار نخستین راجع به خلقت بشر نخستین، اساطیر و روایاتی را آفریده تا هستی و جهان پیرامون خود را تفسیر و آن را معنایی دوباره بخشد.

"بنیامین" (۲۰۱۰) بر این باور است که نوع تعاملات زندگی جوامع مختلف و فرهنگ آن‌ها با اسطوره‌ها و داستان‌های آفرینش آن‌ها که نسل به نسل روایت شده مطابقت می‌کند. او در بررسی‌های خود به این موضوع اشاره می‌کند که نمادهای فرهنگی، استعاره‌ها، عبارات، کنایه‌ها همه با نوع آفرینش کائنات در جوامع مرتبط با آن‌ها پیوند خورده است.

"میرچا الیاده" اسطوره‌شناس رومانیایی در خصوص «جهان ذهنی» بشر نخستین می‌گوید: «جهان پیرامون ما، یعنی جهانی که به دست بشر آبادان شد، اعتباری ندارد. ارزش آن توسط نمونه آسمانی و الگوی از پیش تعیین شده مشخص می‌شود. انسان همه چیز را از روی نمونه‌ای از پیش پرداخته، می‌سازد. نه تنها شهر او بلکه پرستشگاهش هم الگویی آسمانی دارند.» (الیاده، ۲۵: ۱۳۶۵).

در ساحت اسطوره‌ای، گاه یک امر قدسی در کالبد یا پیکره‌ای خود را می‌نمایاند. چنانکه در داستان بابل می‌بینیم خداوندگار، تجلی کالبدی دارد او در بیشتر متون مرتبط با این داستان، به عنوان یک شکل باشکوه و قدرتمند مورد توجه بوده و دارای تاج و تخت آسمانی است که بر بالاترین نقطه گنبد آسمان قرار دارد (وان استفن، ۱۹۹۸).

"کیمبال" (۲۰۰۸) معتقد است داستان آفرینش بشر در ساختار اسطوره‌ها به شیوه‌ای بهتر تبیین می‌شود و در قالب روایت‌های گوناگون فرآیند تبدیل هریک از اجزای طبیعت به عناصر دیگر در مسیر کمال قابل توصیف است. او بر این اساس به چند نوع جهان اشاره می‌کند. جهانی که توده‌ای بی‌شکل و نامنظم بوده و به جهانی تکامل یافته تبدیل شده است.

نکته‌ای که باید درباره‌ی آن سخن گفت این است که نقل هر اسطوره و روایت افسانه‌ای، به دوره‌ای خاص و شرایط اجتماعی مشخصی بستگی دارد. هنگامی که انسان عصر آغازین با گیاه و نبات آشنا می‌شود، نخستین اسطوره‌های او درباره‌ی آفرینش انسان از گیاه به وجود می‌آید. وقتی که با سفالگری و چرخ کوزه‌گری آشنا می‌شود، آفرینش انسان از خاک تحقق می‌یابد. در نظام فکری

اساطیری، همه چیز قابل اتفاق است. شخصیت‌های اسطوره‌ای معمولاً آدمیزاد نیستند اما صفات و خصوصیت بشری دارند و آفرینش آن‌ها از روال طبیعی و معمولی برخوردار نیست. مثلاً در اساطیر ایرانی، «مشی» و «مشیانه» (مرد و زن نخستین)، از گیاه «ریواس» (ریباس) متولد می‌شوند. در جهان اساطیری، حتی کوه و رود و درخت و سنگ و ... عناصری فاقد شعور نیستند بلکه عناصر دارای شعور بوده و حتی سخن می‌گویند (کیوان، ۱۳۷۱).

اگر ما «زبان» را صورت بیرونی اندیشه بدانیم و بر این باور باشیم که «اسطوره» نمود و پدیدار شدگی تفکری است که از طریق «زبان» برجسته می‌شود، به مقصودمان نزدیک‌تر می‌شویم.

«زبان» دستگاهی است که در اختیار هر اجتماع بشری قرار دارد تا به کمک آن بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این دستگاه دارای نقش‌های متفاوتی است مثلاً «ایجاد ارتباط» اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای است که می‌توان برای زبان قائل شد؛ کاربرد آن به منظور ایجاد ارتباط میان افراد یک اجتماع است؛ مثلاً زبان فارسی به عنوان ابزاری جهت ایجاد ارتباط میان فارسی‌زبانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از طرفی زبان، تکیه‌گاه اندیشه و حامل افکار بشری است، بدین ترتیب که فعالیت فکری بشر در قالب زبان انجام می‌پذیرد. اندیشه و فکر، در ذهن بشر ابتدایی از طریق زبان رمزی یعنی اساطیر و افسانه‌ها و داستان‌ها پدیدار می‌گردد. در واقع اسطوره، فرآیند و عنصر ذاتی زبان است. اگر ما «زبان» را تجلی‌گاه اندیشه و فکر بدانیم، پس اسطوره سازی و افسانه پردازی، امری گریز ناپذیر می‌نماید. در واقع، اسطوره‌ها سایه‌ای هستند که زبان بر اندیشه می‌افکند و این سایه هرگز ناپدید نمی‌شود مگر آن که زبان و اندیشه همسان و هم طراز شوند. بنابراین روایات و اساطیری که در ذهن بشر نخستین شکل گرفته، نوعی «زبان رمزی» است و کشف زبان رمزی بر عهده‌ی علم زبان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، ادبیات تطبیقی و مطالعاتی از این دست می‌باشد. زبان رمزی نه تنها در روایات اساطیری وجود داشته، بلکه در ادیان الهی نیز پیرامون آفرینش بشر، پدیدار

گردیده است. به سخنی دیگر، وقتی در تورات می‌خوانیم که مثلاً «حوا» (زن نخستین) از دنده‌ی چپ «آدم» (مرد نخستین) متولد شد، به احتمال بسیار، معنایی رمزی در آن نهفته است. معنایی که بر عهده‌ی مفسرین و فلاسفه‌ی «متون دینی» است تا با رمزگشایی از ظاهر این متون، به هسته‌ی معنایی آن رسیده و با تفسیر و تاویل آن، راه را برای درک عامیانه و عالمانه آن فراهم آورند. اما در این میان رویکرد اسلام و قرآن کریم در مورد خلقت بشر از بقیه ادیان و روایات دینی کامل‌تر و به شکل مبسوط‌تری ارائه گردیده است. در تعبیر قرآن کریم، خلقت آدم از ماده‌ای چون خاک یا گِل می‌باشد و در آغاز به شکل پیکر آدمی در آمدن سپس پیکری که بدین گونه بر ساخته شده بود، بر اثر دمیدن روح خدایی در آن، به موجودی زنده و جاندار تبدیل می‌شود. در آیات مبارکه قرآن کریم این فرآیند خلقت زمینه‌گویاتر است چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْقَةٍ ثُمَّ مِّنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَتُقَرَّفِي الْأَرْحَامَ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلَّغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفَّىٰ وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنتَبَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»

«ای مردمان... بدانید که ما شما را از خاک آفریدیم، سپس نطفه‌ای، پس از آن از خون بسته‌ای (عَلَقَه)، پس از آن از گوشت پاره‌ای تمام آفریده یا ناتمام آفریده تا برای شما بیان کنیم و قرار دهیم در رَحِم‌ها، آنچه خواهیم تا مدتی معین، سپس تمام را کودک بدر آوریم تا به رشد تان برسد...» (الحج: ۵).

اما هدف از خلقت انسان چیست؟ در قرآن کریم آمده است: «فحسبتم انما خلقناكم عبثا و انکم الینا لا ترجعون». (مؤمنون/۱۱۵) اگر بازگشت به خدا نباشد خلقت عبث است، قرآن در آیات مکرر مسئله قیامت را با مسئله حق بودن و باطل

نبودن خلقت و لغو و بازی نبودن خلقت توأم کرده و در واقع استدلال کرده است. و در حقیقت این قیامت و بازگشت به خدا است که توجیه کننده خلقت این عالم است. و در جای دیگر تصریح دارد: «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون». (ذاریات/۵۶). در این آیه، قرآن عبادت را به عنوان غایت خلقت ذکر نموده است. در ادامه به بررسی داستان‌ها و روایات مختلف پیرامون آفرینش بشر می‌پردازیم.

www.ketab.ir